



## یادداشت

سرمایه داری در جستجوی راهی برای بقا

صادق کار



روزنامه دنیای اقتصاد در ۲۶ آذر در مقاله ای که با عنوان " درآمد پایه همگانی؛ نسخه نجات بخش سرمایه داری می شود؟ منتشر کرد، به بحران کنونی نظام سرمایه داری جهانی که دیگر قابل انکار و کتمان نیست پرداخت و پس از مرور بحران های گذشته نوشت:

"سرمایه داری به نقطه ای رسیده است که حتی مدافعان سرسخت آن نیز از بحران بقا سخن می گویند. برخلاف گذشته، این بار منتقدان اصلی نظام بازار آزاد نه سوسیالیست ها، بلکه خود اقتصاددانان، سرمایه گذاران و نظریه پردازان سرمایه داری هستند"

البته اینهایی که این روزنامه با عنوان منتقد از آنان اسم برده، منتقدان واقعی سیستم خودشان نیستند، اما بقول معروف آتش آنقدر شور شده که صدای آشپز و همچنین روزنامه دنیای اقتصاد را هم درآورده است. همه ی آنها نگران آن فروپاشی سیستم خود و از دست رفتن اثرات آن همه تبلیغاتی هستند که شب و روز با کمک رسانه های شان بخورد افکار عمومی دادند. وقتی که بحران حاد می شود و خطر سقوط سیستم مطرح می شود گروه نجات برای نجات سیستم وارد عمل می شود بلکه به طریقی آن را از فروپاشی نجات دهد و هم نگذارد مخالفان سیستم ابتکار عمل را در دست بگیرند.

بله همانطور که در نوشته آمده است، بحران این بار "بحران بقاست" و راه کارهای گذشته بخصوص زمانی که پای بود و نبود نظام سرمایه داری در میان است دیگر کارآمد نیستند و راه کارهایی باید یافت که باعث تداوم نظام شوند.

البته تئوری پردازان ایرانی قرار گرفته در راس روزنامه دنیای اقتصاد و روزنامه های زیر مجموعه آن که خودشان از سینه چاکان همین نظام به بنیست رسیده هستند، خودشان راه حلی ظاهرا برای حفظ نظام محبوب شان ندارند و در این زمینه نیز مانند موارد دیگر مصرف کننده برادران بزرگتر جهانی خود هستند. به همین جهت در اوج تبلیغاتی که راجع به معجزه بازار می کنند، از آنجا که می دانند این شتری است که بلاخره در خانه آنها زانو خواهد زد، چاره ای جز توسل به راهکار های هم اندیشان بین المللی خود نمی بینند. چرا که بعد از یک عمر گفتن و نوشتن از برتری مزیت نظام سرمایه داری، یک دفعه صحبت کردن از به پایان رسیدن ظرفیت و به خطر افتادن بقای آن آسان نیست. با این حال همینکه خودشان فهمیده اند اوضاع از چه قرار است جای شکر دارد. امیدوارم این موضوع در عمل و تبلیغات یک طرفه شان به نفع سرمایه داران موثر واقع شود و به معیاری برای موضوعی ها بعدی شان تبدیل شود. بحث و فحص بیشتر در این مورد را به کارشناسان مستقل و اهل فن واگذار می کنم و چند نکته را که به نظرم می رسد عرض می کنم.



گردش کار و کسب سرمایه داری منوط به داشتن مصرف کننده و قدرت خرید مردم است. مردم اگر قدرت خریدشان را مانند آنچه در ایران مشاهده می شود، از دست بدهند، یا شغل با درآمد مکفی نداشته باشند، گردش چرخ تولید کالا لنگ می زند و کسب و کار از رونق خواهد افتاد و سود کارخانه داران کاهش پیدا می کند. بنا بر این سرمایه دار و تولید کننده با همه ی آزادیهایی که به او اعطا شده مجبور است برای تضمین سود خود هم که شده یک سری امتیاز اقتصادی و رفاهی به کارگران خود بدهد. اکنون با اشباح شدن بازارها از کالا شرایط برای رقابت بیش از پیش سخت شده است

در هر کجا که دولت های سرمایه داری با وضع قوانین و مقررات به این منظور مکانیسم های در نظر گرفته اند تا قدرت خرید مردم را تا حدی که چرخه تولید را در گردش نگاه دارد، توانسته اند بحران اقتصادی ناشی از رکود و رقابت را برای مدتی مهار کنند.

بعد از تسلط نئولیبرالیسم اقتصادی سرمایه داری مغرورانه شروع به از میان برداشتن قوانین حمایتی کار و تعدیل جوامع رفاهی کردند. بی حقوق سازی طبقه کارگر در تمام کشورها دنبال شد و همراه آن بسیاری از صنایع به کشورهای که نیروی کار ارزان پیدا می شد انتقال یافتند و یک جا بجایی بزرگ در نیروی کار بوجود آمد. در کشورهای متروپل البته آهنگ بی حقوق سازی کندتر پیش برده می شد، اما در کشورهایمانند ایران بی حقوق سازی و فقیر سازی طبقه کارگر با سرعتی پرشتاب البته با استفاده از سرکوب پیش برده شد.

در تمام این مدت روزنامه های اقتصادی به همراه سرمایه داران متشکل در اتاق بازرگانی و احزاب سیاسی قانونی از موتلفه گرفته تا اصلاح طلبان حکومتی دست به دست هم با از میان برداشتن قوانین و سرکوب سخت و نرم طبقه کارگر و مزد و حقوق بگیر را به زیر خط فقر و فلاکت راندند، و برای یک لحظه هم که شده به این فکر نکردند که فقیر سازی نیروی کار می تواند کار و کسب خود آنها را نیز از رونق بیندازد و اقتصاد بد فرجام و ویرانگر رانتی - غارتی را جای گزین اقتصاد مولد نماید.

اکنون بحران اقتصادی حتی دامن پیشرفته ترین کشورهای اروپایی را در بر گرفته و غولهای مانند آلمان، فرانسه، انگلستان را نیز به زانو درآورده است. قدرت خرید مردم افت کرده است، هزینه های زندگی به شدت بالا رفته است. هزینه های سنگین جنگ اروپا و اکرابین با روسیه که خود بازتابی از بحران جهانی سرمایه داری است و آشکارا یک جنگ امپریالیستی برای باز تقسیم جهان است، بر این بحران دامن زده است. در چنین فضایی است که تلاشها برای نجات نظام سرمایه داری از فروپاشی شروع شده است. آنهایی که عاقلتر هستند، شروع به افزایش دستمزدها بالاتر از نرخ تورم برای افزایش قدرت خرید و تولید نموده اند، آنهایی که نمی خواهند واقعیت زمانه را بپذیرند، راهی معکوس در پیش گرفته و می خواهند بحران را با افزایش بودجه نظامی، فعال کردن کارخانه های اسلحه سازی و تدارک جنگ جهانی حل کنند. عدهای نیز دادن حقوق به عموم شهروندان فاقد کار (دستمزد پایه همگانی) را که در مقابل دنیا اقتصاد به آن اشاره شده، به عنوان راه کاری برای رونق اقتصادی و حفظ ثبات اجتماعی و سیاسی مطرح می کنند. زمانی که حتی بیمه بیکاری را در ایران عملاً از میان برداشته اند و ما با یک حکومت سرمایه داری از نوع وحشی آن روبرو هستیم به نظر نمی رسد که حکومت مایل باشد تغییری در مناسبات خود با طبقه کارگر بوجود آورد. بر عکس اکثر مقامات حکومتی در ایران نیز ظاهراً طالب حل بحرانهای خود از طریق جنگ و ستیز هستند. راهکاری که وضع مردم را از این که هست به نظر می رسد بدتر کند. به هر حال بحران سرمایه



داری بحرانی ساختاری است که عوامل مختلفی در شکل گیری آن نقش داشته اند، بهمین دلیل با تغییرات مشابه بحرانهای ادواری قبلی بعید است رفع شود.

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

تاوان جنگ و تحریم های اقتصادی را مردم می پردازند، ما مخالف جنگ و تحریمهای اقتصادی فقرآور هستیم!

فقر: علل و چاره های آن بخش نهم

عبدالغنی فریندا، تنو مینگ تینگ، مجله بین المللی علوم انسانی و اجتماعی



ریشه کنی فقر - ادامه

## 4.2 آموزش

پیشبرد برنامه های سوادآموزی برای تهیدستان ضروری است. کاهش فقر تنها از طریق اقدامهای مرتبط با توسعه آموزش و کمکهای توسعه ای آموزشی و مشارکتهای مالی کشورهای ثروتمندتر در حوزه توسعه آموزش امکان پذیر است. مبارزه با فقر و ترویج آموزش برابر باید به اولویت اصلی همگان، به ویژه دولتها، تبدیل شود. ابتکارهای توسعه ای باید در قالب همکاری برای انتقال مهارتها به گروه های هدف اجرا شوند.

آموزش باکیفیت حیاتی ترین راه حل است تا افراد بتوانند خودشان را از چرخه فقر بیرون بکشند. باید به کودکان شش ساله و پایین تر اولویت داده شود تا عادت به یادگیری و توسعه شیوههای مطالعه در آنان نهادینه شود و در نتیجه شانس بیشتری برای عملکرد بهتر و موفقیت در دورههای ابتدایی، دبیرستان و دانشگاه داشته باشند. آنچه کودکان پیش از شش سالگی می آموزند، تأثیری ماندگار بر ذهن و قلب آنان دارد و بیش از هر چیز به شکلگیری منش و شخصیت آنان کمک می کند. افزون بر آموزش پایه باکیفیت، آموزش متوسطه و عالی، آموزشهای فنی و حرفه ای و کسب مهارت در طول زندگی، ابزارهای اجتناب ناپذیر برای ریشه کن کردن فقر اند.

برای نمونه در تانزانیا، "چشم انداز توسعه تانزانیا 2025" آموزش را به عنوان ابزاری برای تبدیل یک اقتصاد کشاورزی کم بازده به اقتصادی نیمه صنعتی تعریف و تصریح کرده است. کشاورزی برای افزایش بهره وری و سودآوری نیازمند نوسازی است، از جمله نوآوری در فرآوری محصولات کشاورزی، نوآوری تکنولوژیک و ارتقای کاربرد تکنولوژیها برای ایجاد ارزش افزوده. ترویج آموزش در حوزه علوم و تکنولوژی در تانزانیا محسوساً موجب رشد اقتصاد، افزایش قدرت خرید و کاهش فقر شده است. در پی آن، با دستیابی به نیروی انسانی سرشار



از افراد آموزش دیده باکیفیت در سطوح مختلف، می‌توان به طور مؤثر به چالش‌های توسعه پایدار کشورها پاسخ داد.

### 4.3 بی‌ثباتی سیاسی، جنگ و جنگ داخلی

درآمد سرانه ملی پایین خطر جنگ داخلی را افزایش می‌دهد. درآمد سرانه پایین همچنین غالباً به طولانی‌تر شدن درگیری‌های موجود را می‌انجامد. کاهش درآمد سرانه یک کشور همچنین می‌تواند کشورهای بیشتری را در معرض آسیب‌پذیری ناشی از درگیری‌های داخلی در آن کشور قرار دهد. از آنجا که جنگ داخلی عملکرد اقتصادی را مختل کرده و فقر را تشدید می‌کند، کشورهای فقیر درگیر منازعه در معرض گرفتار شدن در "تله منازعه" اند. توصیه سیاستی کلی و حیاتی برای کاهش خطر درگیری، ایجاد انگیزه برای توسعه اقتصادی و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه، به ویژه در دولتهای فقیر، است. سیاست‌هایی که درآمد سرانه را در فقیرترین کشورها افزایش می‌دهند، خطر درگیری را کاهش خواهند داد و در نهایت سطح فقر کشور درگیر را پایین می‌آورند.

### 4.4 ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی

خشکسالی یکی از عوامل اصلی است که باعث می‌شود میلیون‌ها نفر در آفریقا گرسنه بمانند. در نتیجه، تقریباً 30 درصد از شهروندان مالاوی برای جلوگیری از سوءغذیه به غذای اهدایی نیاز دارند. در زیمبابوه، حداقل چهارمیلیون نفر به کمک غذایی اضطراری نیازمند اند. دولت زامبیا درخواست فوری کمک غذایی کرده است، زیرا 1.7 میلیون نفر گرسنه اند؛ 850 هزار نفر در موزامبیک، 500 هزار نفر در لسوتو و حداقل 300 هزار نفر در سوازیلند نیز به غذا نیاز دارند.

"برنامه جهانی غذا"، برای نمونه، نقش مهمی در کاهش اثرات عوامل طبیعی و جغرافیایی و در نتیجه در تغذیه بخش بزرگی از جمعیت نیازمند ایفا می‌کند. این برنامه از جهان توسعه یافته درخواست 400 میلیون دلار بودجه برای تغذیه جمعیت نیازمند کرده است. ایالات متحده زمانی به عنوان مشارکت کننده اصلی، ذرت را از کشاورزان آمریکایی می‌خرد و آن را در اختیار برنامه جهانی غذا قرار می‌داد.

نه فقط کمک‌های مالی بین‌المللی یا خارجی، بلکه همچنین دانشمندان و سیاستگذاران باید به کشاورزان خرده‌مالک کمک کنند تا بهره‌وری خود را افزایش دهند و با تغییرات اقلیمی سازگار شده و آثار آن را کاهش دهند. برای مثال، رویکردی نوآورانه در مدیریت منابع آب در سوریه معرفی شده که انتظار می‌رود به 18 هزار نفر که از خشکسالی طولانی مدت آسیب دیده‌اند، سود برساند. از سال 2009، دولت سوریه، آژانس (بازسازی چاه‌هایی را که حدود دوهزار سال UNDP توسعه اسپانیا و برنامه توسعه سازمان ملل متحد) پیش در دوره‌های رومی و عربی ساخته شده بودند، آغاز کردند. 95 چاه واریسی شدند و از این تعداد حداقل 35 چاه ترمیم و بازسازی شدند. بازسازی چاه‌ها شامل پاکسازی و تخلیه آبهای راکد، گشادسازی و عمیق‌سازی آنها برای افزایش ظرفیت آب و نیز تحلیل کیفیت آب بوده است تا به مشکلات موجود دامن زده نشود.

نوآوری در نظام‌های کشاورزی برای سازگاری - از جمله در شیوه‌های تولید کشاورزان، رویکردهای بازار، نوآوری‌های تکنولوژیک و سیاستی - نیز برای انطباق با عوامل طبیعی و جغرافیایی و مهار آیار آنها اهمیت دارد. همچنین به داده‌های به روز از محصولات کشاورزی نیاز است تا بتوان بهتر در برابر خشکسالی، ماندابی



شدن، افزایش بیماریها و آفات محصولات مقاومت کرد. زنجیره ارزش یکپارچه کشاورزی، مانند دسترسی آسان به تأمین مالی، بیمه محصولات کشاورزی در برابر شرایط جوی، ذخیره سازی محصول و دسترسی به بازارهای محلی و منطقه ای، نیز برای بهبود و افزایش درآمد جمعیت ضروری است. بسیاری از کشاورزان زمین را مداوماً کشت می کنند. در نتیجه حاصلخیزی اراضی کاهش می یابد. کشاورزان منفرد دانش و دسترسی محدودی برای استفاده از کود به منظور تداوم رشد گیاه دارند. بنابراین، باید کمکهای فنی و مالی جامعی - مانند ابزار و پشتیبانی مناسب، مهارتها و دانش - ارائه شوند تا بهره وری زمین افزایش یافته و پایدار بماند.

## متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

زمان انتخاب است

ع امید



تلاشهای مشترک تازه ای از سوی دولت و مجلس برای افزایش ندادن حقوق کارمندان در سال آتی شروع شده است. مجلس فرمایشی اخیراً تظاهر به دفاع از معیشت مزدبگیران را کنار گذاشت و با رد الزام دولت به افزایش حقوق کارمندان مطابق تورم، عملاً با طرح افزایش ۲۰ درصد به حقوق کارمندان، که کمتر از نیمی از تورم رسمی را پوشش می دهد هم داستان شد.

مصوبه اخیر مجلس درست در زمانی که تورم نقطه به نقطه مواد غذایی به ۷۰ رسیده و همچنان به رشد پرشتاب خود ادامه می دهد و ارزش دستمزدها روز به روز بیشتر فرو می ریزد با خشم و انزجار کارمندان روبرو شده است.

تصمیم دولت برای افزایش تنها ۲۰ درصد به حقوق کارمندان در بودجه سال آینده مدتی پیش بدون بروز مخالفت جدی از سوی نمایندگان مجلس تصویب شده بود و تصویب طرح جدید که در واقع خلاف قانون خودشان است تأکیدی است بر تداوم منجمد نگاه داشتن دستمزدها و در راستای سیاست سالهای گذشته در همین ارتباط.



حسب تجربیات سالهای گذشته می شود فهمید که با دستمزد کارگران و مستمری های بازنشستگان نیز کم و بیش بهمین طریق عمل خواهد شد.

حالا که معلوم شده زندگی و معیشت کارگر و کارمند حتی در شرایط تورم فزاینده و سقوط همه روزه ارزش ریال برای نهادهای حکومتی اهمیت ندارد، این خود کارمندان و کارگران شاغل و بازنشسته هستند که باید فکری به حال خودشان بنمایند و خود را از این دور تسلسل باطل همه ساله برهانند.

بعضا چنین استدلال می کنند که علت این تصمیم وجود بحران اقتصادی و شرایط مبهم نه جنگ و نه صلح است. اما اگر در سالهای پیشتر که جنگ نبود حقوق ها را لاقل به اندازه نرخ واقعی تورم افزایش می دادند، این بهانه را می شد از آنها پذیرفت. در حالی که این طور نبوده و نیست سالهاست که این رویه را ادامه داده اند و نتیجه اش این شده، که هزینه های اولیه زندگی از متوسط حقوق ها چهار برابر عقب مانده و این عقب افتادگی سال به سال بیشتر شده است.

اگر در سالهای گذشته ادعای افزایش بر اساس نرخ تورم را می کردند ولی نرخ تورم را کمتر از آنچه که بود عنوان می کردند، امسال بی شرمی را به حدی رسانده اند که می گویند الزامی به افزایش دستمزد بر اساس قانون و نرخ تورم نمی بینند.

با این اوصاف افزایش دستمزد و حقوق های کارمندان و کارگران بدون یک اعتصاب گسترده جمعی و موثر ممکن نیست. این را تجربیات همه ی سالهای گذشته به ما آموخته است. اگر سال گذشته کارگران و کارمندان شاغل و بازنشسته از کارگر، پرستار، معلم کارمند گرفته تا بقیه مزد و حقوق بگیران اعتصاب می کردند این همه فقر و فلاکت را نمی توانستند به آنها تحمیل کنند.

در کشوری که هر روزه خبر اختلاسهای میلیارد دلاری به یک پدیده عادی تبدیل و مسبب آنها راست راست بدون مزاحمت راه می روند و مشغول عیش و نوش در قصرها و ویلاهای مجلل خود هستند، صحبت از نداشتن بودجه بزرگترین دروغ روزگار است. تنها برای افزایش حقوق نیست که باید اعتصاب جمعی گسترده کرد، اعتصاب سراسری برای برچیدن فساد و حکومت فاسد، تنها راهی است که پیش رو قرار دارد. زمان انتخاب است، انتخاب میان فقر و بینوایی و فلاکت، با آزاد و رفاه و عدالت.

**از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت**

**حمایت کنیم!**

**همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!**



## حوادث کار بخش سوم

### بهبود فدایی



مقایسه آمار حوادث کار ایران با آمار جهانی

آمار جهانی

مرگ ناشی از حوادث کار در جهان

طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار (ای ال او) تقریباً ۲ میلیون نفر در هر سال بر اثر کار (حادثه + بیماری) جان می‌دهند.

۳۵۰,۰۰۰ مرگ ناشی از وقوع حوادث شغلی در محیط کار است از این مرگ‌ها، حدود

۲۷۰ میلیون حادثه شغلی در جهان رخ می‌دهد~ همچنین ای ال او گزارش می‌دهد که هر سال

تخمین زده که حدود ۴٪ از تولید ناخالص: برآورد هزینه اقتصادی این مرگ‌ها و بیماری‌ها نیز قابل توجه است جهانی به دلیل مرگ، آسیب و بیماری‌های شغلی از دست می‌رود.

بیماری‌های شغلی منجر به فوت

در گزارش مشترک ای ال او و دبلیو اچ او آمده است که بخش عمده (بیش از نصف) مرگ‌های ناشی از شاخص «کار» مربوط به بیماری‌های است که بدلیل آلودگی محیط کار منجر به مرگ کارگران می‌شود

به‌طور مشخص، بیماری‌هایی مثل بیماری‌های قلبی عروقی، سکت، بیماری‌های تنفسی (مثل بیماری انسدادی مزمن ریه) سهم زیادی در مرگ‌های شغلی جهانی دارند

برآورد شده «کار» ۹ میلیون مرگ مرتبط با. در مطالعه‌ای منتشرشده (۲۰۱۹) برای تقریباً ۱۸۱ کشور، حدود ۲ است که شامل بیماری + آسیب است؛ از این بین، ~۰.۳۲ میلیون (۳۲۰,۰۰۰) مرگ مستقیماً ناشی از صدمات بوده‌اند.

آمار ایران

نرخ مرگ شغلی در ایران

۹ مرگ در. در مطالعه‌ای روی بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، نرخ مرگ ناشی از صدمات شغلی در ایران حدود ۷ هر ۱۰۰,۰۰۰ کارگر در سال گزارش شده است



در همان مطالعه، تقریباً ۸,۶۰۶ مرگ ناشی از صدمات شغلی در کل آن دوره پنج‌ساله رخ داده است  
آمار سالانه مرگ ناشی از حوادث کار در ایران

در گزارش «بحران حقوق کارگری» (هرانا)، تعداد قابل توجهی از کارگران فوتی یا مصدوم در ایران ثبت شده  
که نشان‌دهنده مشکل جدی ایمنی در محیط کار است

بر اساس اعلام انجمن متخصصین بهداشت حرفه‌ای ایران، «سالانه به طور میانگین»  
۲۰۰ فوتی ناشی از حوادث کار گزارش می‌شود، بین ۷۰۰ تا ۱

در یک گزارش نیز آمده که «۶۵۰ نفر» در سال بر اثر حوادث ناشی از کار فوت می‌کنند (این عدد احتمالاً تنها  
بخشی از کل مرگ و میر واقعی را منعکس می‌کند)

نرخ تصادف (حادثه) غیرمرگبار در ایران

مطالعه روی داده‌های اداره تأمین اجتماعی نشان داده که نرخ حوادث کاری در بعضی سال‌ها کاهش یافته  
۴۶ در هزار در است (مثلاً از ۲.۹۵ حادثه به ازای هر ۱۰۰۰ کارگر در سال ۲۰۰۷ به حدود ۱  
(سال ۲۰۱۶ کاهش یافته)

بر اساس داده‌ی ثبت‌شده در همان مطالعه، نسبت فوت به کل تصادفات در ایران کمتر از ۱ درصد بوده

ریسک و دلایل مرگ شغلی در ایران

یکی از مطالعات نشان داده که میانگین «سال‌های زندگی از دست رفته» برای هر کارگر فوت شده در ایران  
بیش از ۳۹ سال است، که نشان‌دهنده فاجعه انسانی بزرگ مرگ‌های کاری است

در ایران، سقوط از ارتفاع یکی از دلایل مهم حوادث مرگبار کاری است مطالعه ۲۰۱ نشان داده که  
تقریباً ۴۴ درصد از مرگ‌های شغلی ناشی از سقوط بوده‌اند

تحلیل مقایسه

نسبت مرگ شغلی در ایران نسبت به جهان

نرخ مرگ شغلی ایران (۷.۹۷ در ۱۰۰,۰۰۰ کارگر) در مقایسه با برخی برآوردهای جهانی برای حوادث کاری،  
قابل‌ملاحظه است، اما چون آمار جهانی شامل «مرگ ناشی از بیماری‌های شغلی» نیز هست، مقایسه  
کامل پیچیده است

مثلاً اگر کل مرگ‌های ناشی از کار در سطح جهانی (۲۷ میلیون) را در نظر بگیریم، سهم مرگ‌های تصادفی  
(حوادث) بخشی از آن است (حدود ۳۵۰ هزار مرگ حوادث کار طبق آمار ای ال او. این نشان می‌دهد که  
ایران در بخش حادثه‌گرایی شغلی ریسک بالایی دارد، ولی در مقایسه با «مرگ و میر ناشی از بیماری  
شغلی» ممکن است بخش کمتری از کل بار جهانی را داشته باشد (به شرطی که آمار بیماری‌های شغلی  
(در ایران به همان دقت ثبت شود، که ظاهراً هیچ کوششی در این راه صورت نمی‌گیرد)

چالش گزارش‌دهی در ایران



نشان (یکی از مسائل مهم در ایران، گزارش‌دهی حوادث شغلی است: مطالعات و گزارش‌های مستقل می‌دهند که تعداد واقعی مرگ و مصدومان ممکن است بسیار بیشتر از آمار رسمی باشد.

همچنین، پوشش بیمه یا کارگاه در سامانه‌های رسمی ممکن است ناقص باشد (بخشی از کارگران در بخش غیررسمی کار می‌کنند)؛ بنابراین آمار تأمین اجتماعی یا آمار ثبت‌شده توسط نهادهای رسمی ممکن است بخش بزرگی از حوادث را پوشش ندهد.

پیامدهای اقتصادی و انسانی

مرگ‌های کاری در ایران، با توجه به سال‌های زندگی از دست رفته، پیامد انسانی بسیار سنگینی دارد. از دست دادن نیروی کار جوان و کارآمد می‌تواند تأثیر اقتصادی بزرگی داشته باشد.

از نظر اقتصادی، جهانی بودن مشکل ایمنی کار (کار غیرایمن) به این معناست که کشورهایی مانند ایران اگر نتوانند ایمنی محیط کار را بهبود دهند، نه فقط هزینه انسانی، بلکه هزینه مالی قابل‌توجهی را نیز متحمل خواهند شد (بیماری‌ها، غیبت، ناتوانی، کاهش بهره‌وری).

اولویت‌گذاری سیاستی

مقایسه با جهانی نشان می‌دهد که در کشورهای دیگر، بخش بزرگی از مرگ و میر شغلی به بیماری‌های شغلی برمی‌گردد؛ بنابراین بهبود بهداشت حرفه‌ای (نه فقط ایمنی فیزیکی) باید در سیاست‌گذاری مسئولین ایران در اولویت باشد. که طی چند دهه اخیر محلی از اعراب نداشته است.

همچنین، بهبود سیستم ثبت و گزارش‌دهی حوادث کار در ایران ضروری است تا آمار دقیق‌تر و سیاست‌های مؤثرتری اتخاذ شود.

جمع‌بندی مقایسه

نرخ مرگ ناشی از تصادف شغلی در دهه‌های اخیر عدد قابل توجهی دارد و برخی مطالعات مستقل از ایران، تعداد واقعی بیشتر از آمار رسمی خبر می‌دهند.

مرگ‌های کاری شامل بیماری و تصادف هستند. بار بیماری‌های شغلی بسیار بزرگ است و بسیاری: جهانی از مرگ‌های شغلی جهانی به بیماری مرتبط است، نه فقط حادثه.

گزارش‌دهی ناقص، زیرگزارش‌دهی، نبود پوشش کامل بیمه، عدم شفافیت؛ این موارد باعث: چالش ایران می‌شود مقایسه دقیق‌تر با جهان دشوار شود، اما به وضوح نیاز به بهبود ایمنی و بهداشت حرفه‌ای در ایران وجود دارد.

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و  
علیه افزایش تورم حمایت کنیم!**



در گرامی داشت یاد رفیق جعفر پیشه وری رهبر جنبش کارگری و نهضت ۲۱ آذر

صادق



۲۱ آذر یاد آور یکی از نهضت های دمکراتیک و مترقی در کشور ما تحت رهبری فرقه دمکرات آذربایجان و جعفر پیشه وری است.

پیشه وری قبل از آنکه به رهبری نهضت ۲۱ آذر برسد. از مبارزان برجسته و فعال جنبش سندیکایی و کارگری ایران و از سازماندهندگان اعتصاب تاریخی کارگران صنعت نفت ایران بود. پیشه وری بواسطه فعالیتهای مجدانه خود در جنبش کارگری سالهای بسیاری را در زندانهای رضا شاهی گذراند و از لحاظ تسلط به مسائل سیاسی و اجتماعی از سرآمدن جنبش چپ و کارگری محسوب می شد و همین خصوصیات باعث انتخاب وی به صدر فرقه دمکرات آذربایجان شد.

او از شخصیت های نادری بود که تا به آخر بر سر اعتقادات عمیقاً انسانی و عدالتخواهانه خود ایستاد و تلاش کرد بخشی از ایده ها و آرزو های خود را در نهضت آذربایجان عملی نماید و در این کار بسیار موفق بود.

او اولین قانون دمکراتیک کار ایران را در آذربایجان، که یکی از آرزوهای او و رهبران وقت جنبش سندیکای هم رزم و هم دوره وی بود تدوین و به تصویب مجلس آذربایجان رساند. دانشگاه تبریز را بنیان نهاد، زمینهای فئودالهای بزرگ را میان دهقانان بی زمین تقسیم کرد، برای اولین بار برابری زنان با مردان با دادن حق رای به زنان برسمیت شناخت و نهضت گسترده ای را برای آموزش و سواد در آذربایجان به راه انداخت. اقدامات فرقه و پیشه وری در واقع الگویی برای ایران آینده بود.

اقدامات مترقیانه و رادیکال فرقه و پیشه وری باعث وحشت فئودالها، سرمایه داران بزرگ، روحانیون، دربار و کشورهای امپریالیستی می شد و همه ی آنها که در فکر استعمار ایران و استثمار کارگران و دهقانان و زنان بودند را به وحشت انداخته بود. بهمین دلیل در حالی که فرقه می گفت قصد تجزیه کشور را ندارد و تنها خواستار خود مختاری محلی است، برای شوراندن مردم مناطق مرکزی فرقه را به تجزیه طلبی متهم می کردند و تبلیغات دروغ فراوانی علیه نهضت به راه انداخته بودند که آن سر آن ناپیدا بود.

حالا بعد از گذشت ۸۰ سال از سرکوب خونین نهضت آذربایجان، اصلاحات فرقه برای مردم کشور ما در حد یک رویا باقی مانده است.

کارگران از قانون کار و حقوق قانونی خود محروم هستند، زنان بخاطر حجاب تحت فشار و سرکوب و تبعیض قرار دارند، مردم مناطق ملی با انگ تجزیه طلبی سرکوب و با اعمال تبعیض رو برو هستند، تحصیل رایگان رو به زوال است، سرکوب و اعدام بر سر جامعه سایه انداخته است، سانسور و زندانی کردن نویسندگان و روزنامه نگاران به پدیده ای دائمی تبدیل شده و فعالیت سندیکاهای کارگری و احزاب غیر حکومتی ممنوع است. وضع مملکت هم اظهر من الشمس است.



آذربایجان اگر می خواست از ایران جدا بشود در زمان ستارخان و حیدر خان امکان و هم دلیل این کار داشت. اما تبریز نقش اصلی را در پیروز انقلاب مشروطه بر استبداد سلطنتی سلسه قاجار بازی کرد.

حالا ۸۰ سال از سرکوب خونین نهضت آذربایجان و کردستان گذشته است، آیا با سرکوب توانستید آنها را از خواسته هایشان پشیمان کنید که دوباره زیر لوای "توطئه تجزیه ایران" مشغول تحریک و سرکوب شده اید؟ خیر، آیا بهتر نیست که بنشینید و با آنها برای رسیدن به توافق گفتگو کنید؟ چرا این بهترین و عقلانی ترین گزینه است. سر کوب نهضت آذربایجان در واقع باعث تقویت موقعیت رژیم و پیش زمینه کودتای ۲۸ مرداد و اعتراضات بعدی بود.

شاه همه ی آنهایی را که هنگام سرکوب آذربایجان با وی متحد شدند چند سال بعد مجازات کرد. به قدرت رسیدن خمینی نیز تا حدودی مدیون سرکوب نهضت آذربایجان است. آن سرکوب خونین مرتجعانه تنها راه را برای افزایش نقش و قدرت شاه فراهم نکرد، زمینه برآمد ارتجاع مذهبی به قدرت را نیز هموار کرد. اکنون نیز سرکوب فدارلیست ها اسباب سرکوب همه ی آزادیخواهان خواهد شد. فدرالیسم آنطور که ملی گراها و ناسیونالیستها ادعا می کنند هیولا نیست یک سیستم مطمئن برای حفظ واقعی نگاه داشتن پیوند تاریخی اجزا این سرزمین به صورت دمکراتیک است. سیستمی از لحاظ ساختاری شبیه آلمان فدرال، امریکای فدرال، بلژیک، کانادا، هندوستان، پاکستان و ...

## زنده باد همبستگی کارگران

## چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!



بیانیه کانون معلمان اسلامشهر در محکومیت اعمال فشارهای غیر قانونی بر مسعود فرهیخته

مسعود فرهیخته عضو کانون معلمان اسلامشهر، معلم و فعال مدنی، فردیست که به صبر و سازگاری و استواری مشهور است. در کنشگری مرز جعلی نمی سازد. بهانه تراش نیست. لبخند همیشگی اش از صفای باطنش حکایت دارد. آرزویی که همیشه بیانش می کند این است که حاکمیت به چنان عقلانیتی برسد که در پرتو دموکراسی و اجرای قانون و آزادی، آموزش و پرورش معنای واقعی خود را بیابد و در نتیجه، در زندان ها بسته شود. زندان ها تبدیل به مدارس شوند که عمر و نشاط و آینده دانش آموزان را تباہ نکند. مدارس که به معنای واقعی، مدرسه باشند و این وظیفه ذاتی حکومت است. اکنون مسعود فرهیخته، محبوس یکی از همان زندان هاست. جایی که دخمه توصیفش کرده است. دخمه ای بدون امکانات، شوربختانه در خانه، آن "



یک کس " که بشنود نیست تا " یک حرف " بسش باشد. مخاطب فریاد ما آن زندان بان نیست که بگوید " مامورم و معذور ". روی سخن ما با مسئول بند و زندان هم نیست. ما حاکمیتی را خطاب قرار می دهیم که بر سر شاخه نشسته و بن می بُرد

ای آنان که شهوت قدرت و شراب قداست، خویشتن شما را از یادتان برده، بدانید که این ملک و مملکت از آن مردم است. شما خادمان مردمید نه مخدوم. فردا، در پیشگاه وجدانی که ندارید که هیچ، در برابر پرسش گرانی که خواهند پرسید: "مسعود فرهیخته را چرا زندانی کردید؟" چه خواهید گفت؟ جز یک مشت کلیشه ی نخ نما شده و بی اعتبار چه دارید؟ ما می دانیم که شما زندانیان امنیتی و سیاسی را جماعتی معاند و راه گم کرده می بینید که آرمان های پویشالی متوهمانه شما را به سخره گرفته اند. از ضابطان آتش به اختیار که بیشترشان بویی از فرزادگی و ادب نبرده اند تا دادستان ها و بازپرس ها و قضاتان که جز معدودی، باقی حتی لحظه ای به عنوان " معلم " فکر هم نمی کنند و نه وجدان و اخلاق را می شناسند، نه قانون و حتی شرعی که دائم بدان می آویزند

مسعود فرهیخته معلمی شریف و کنش گری مسالمت جوست. هرگز سخنی نگفته که القای خشونت کند. هیچ بیت المالی را تصرف نکرده است. مزدوری و جاسوسی نکرده است که اگر مرتکب اینها شده بود هزار باره در بوق و کرنا کرده بودید و ایشان و سایر معلمان دادخواه و مطالبه گر را در رسانه های غیر معتبر و غیر ملی خودتان به عنوان دشمنان ملت و کشور معرفی کرده بودید. شما شهامت برگزاری دادگاه های علنی را هم ندارید. هر طور اراده کنید جلب میکنید. هر قدر بخواهید حبس موقت می کنید. وثیقه های سنگین تحمیل می کنید. اتهامات واهی وارد می کنید و زندانی می کنید و امیدوارید که ریشه مطالبه گری را بخشکانید و مردم از " پرسش و مطالبه " دست بردارند. آرزومند این هستید که " معلم " سردمدار این جنبش نباشد. شما سوار بر اسب پشت برهنه ای هستید که عنانش از کفتان به در آمده است. ای خدایگان! بی اعتبار، مست از باده ی نخوت، تیغ ستم کشیده در تاریکی. ای خداوندان قدرت عاریتی

ما خواستار برگزاری دادگاه های عادلانه و قانونی هستیم. ما خواهان آزادی مسعود فرهیخته و رفع اتهام از همه معلمان و کنش گران مدنی و سیاسی هستیم که به ناحق مورد ستم قرار گرفته اند. راهی ندارید جز " به رسمیت شناختن " ملت

پایان سخن این که

چون صبح روشن است که خواهد ز دست رفت

فردا، عنان دولت پا در رکابتان

چندان که آفتاب تموزی شود پدید

این جلبکان سبز نگردهد حجابتان

کانون معلمان اسلامشهر

کانال\_فرهنگیان\_البرز



آزاد خوانچه‌زر، فعال شناخته‌شده جنبش کارگری و مدنی کردستان و از چهره‌های شناخته‌شده شهر مریوان، پس از سال‌ها دست‌وپنجه نرم‌کردن با سرطان، دیروز جمعه ۲۸ آذر ۱۴۰۴ درگذشت

بیگر او در مریوان با حضور مردم و فعالان کارگری و مدنی بدرقه شد

خوانچه‌زر در سال‌های گذشته در سازمان‌دهی و برگزاری برنامه‌های روز جهانی کارگر و روز جهانی زن، و نیز در اعتراضات سال‌های اخیر و خیزش

ژن\_ژیان\_نازادی در مریوان نقشی فعال داشت



بیانیه اعتراضی جامعه بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرستان شوش

بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، کرخه و هفت تپه

با سلام و احترام

جامعه بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرستان شوش، که روزگاری عمر خود را در خدمت به جامعه گذرانده‌اند، اکنون در شرایط بحرانی و غیرقابل تحمل قرار دارند. بحران عمیق خدمات بیمه‌ای شرکت بیمه آتیه‌سازان حافظ، که به‌عنوان ارائه‌دهنده خدمات بیمه تکمیلی برای بازنشستگان تأمین اجتماعی معرفی شده، سبب بروز مشکلاتی جدی و جبران‌ناپذیر برای اعضای این جامعه شده است

این شرکت به‌طور مکرر در انجام تعهدات خود کوتاهی کرده و در انعقاد قرارداد با مراکز درمانی شهرستان شوش هیچ‌گونه جدیت نشان نداده است. از سوی دیگر، در صورت انعقاد قرارداد، سیستم‌های آنلاین این شرکت به‌طور مستمر دچار اختلال بوده و بیمه‌شدگان ناچار به پرداخت هزینه‌های درمان از جیب خود می‌باشند. فرآیند بازپرداخت این هزینه‌ها نیز بسیار طولانی، پیچیده و غیرقطعی است، به‌طوری که بسیاری از بازنشستگان مجبور به مراجعه به شهرهای دزفول یا اهواز برای دریافت خدمات درمانی شده‌اند. این مراجعات نه‌تنها هزینه‌های سنگین مالی را به همراه داشته، بلکه برخی از این بازنشستگان در مسیر این سفرها دچار سوانح و حوادث جبران‌ناپذیر شده‌اند

علی‌رغم برگزاری چندین جلسه با حضور مسئولین محترم از جمله دکتر بیگزاده ( به قول خودش فرزند شوش)، فرماندار محترم شوش، مسئول شبکه بهداشت و مسئولین درمان استان، متأسفانه هیچ تغییر



عملی در وضعیت به وجود نیامده و مشکلات همچنان به قوت خود باقی است. این امر، بی‌توجهی و بی‌اعتنایی مسئولین را نسبت به حقوق و معیشت بازنشستگان عزیز نشان می‌دهد.

ما از مسئولین ذی‌ربط، از جمله سازمان تأمین اجتماعی، بیمه مرکزی و سایر نهادهای اجرایی، درخواست داریم که فوراً اقدامات عملی و مؤثر برای حل این بحران انجام دهند. خواسته‌های ما عبارتند از

1. انعقاد قرارداد فوری و بدون تأخیر با مراکز درمانی معتبر شهرستان شوش.
  2. راه‌اندازی سیستم‌های آنلاین بدون اختلال و تسهیل فرآیند پرداخت و بازپرداخت هزینه‌های درمانی.
  3. کاهش هزینه‌های سفرهای درمانی و تأمین خدمات پزشکی نزدیک‌تر به محل سکونت بازنشستگان.
  4. پیگیری جدی و مداوم وضعیت بیمه‌شدگان و بهبود کیفیت خدمات ارائه‌شده.
- ما انتظار داریم که حقوق‌مان همانند دوران خدمت صادقانه‌مان مورد توجه قرار گیرد.

بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، کرخه و هفت تپه

پنجشنبه ۲۷ آذرماه ۱۴۰۴



تجمع سه روزه کارگران ابنیه فنی تراورس لرستان/ پول‌های ما کجا می‌رود؟

یک منبع کارگری در راه‌آهن لرستان به خبرنگار ایلنا گفت: گروهی از کارگران ابنیه فنی ناحیه درود (از ایستگاه ازنا تا تنگ هفت) در ادامه بی‌توجهی کارفرما به وضعیت مطالبات معوقه، از روز شنبه هفته جاری، اعتراض صنفی برگزار کردند؛ این اعتراض امروز دوشنبه (یکم دی ماه) نیز در محدوده محل کارشان ادامه دارد.

او با بیان اینکه یکی از اصلی‌ترین موارد اعتراض کارگران تراورس درود، مشکلات پرداخت نشدن حق بیمه تکمیلی کارگران به شرکت بیمه‌گر است در تشریح جزئیات آن افزود: حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ کارگر در واحد نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن ناحیه درود لرستان شاغل هستند که از ۵ ماه پیش تحت پوشش بیمه تکمیلی معلم قرار گرفته‌اند. با وجود اینکه کارفرما ماهانه مبالغی را بابت بیمه تکمیلی از حساب کارگران کسر می‌کند اما این مبالغ به حساب شرکت بیمه‌گر واریز نمی‌شود.

او در ادامه با بیان اینکه وقتی کارگران به مراکز درمانی طرف قرارداد بیمه تکمیلی مراجعه می‌کنند، جواب سربالا می‌شنوند و می‌گویند پولی به حساب‌شان واریز نشده است گفت: در پوشش بیمه تکمیلی به طور معمول کارگر ۳۰ تا ۴۰ درصد هزینه را پرداخت می‌کند و مابقی از سوی کارفرما پرداخت می‌شود، اما در شرکت تراورس، سهم کارگر از پرداخت بیمه تکمیلی به صورت صد درصدی است و هر ماه از حقوق



کارگر کسر می‌شود با این حال خدمات مناسبی دریافت نمی‌کنند و هزینه‌های درمانی پوشش داده نمی‌شود.



انتقاد بازماندگان تامین اجتماعی/ چرا صداوسیما سفره‌های خالی ما را در شب یلدا نشان نمی‌دهد؟

گروهی از بازماندگان تامین اجتماعی که تا صبح امروز حقوق آذر خود را دریافت نکرده‌اند، خواستار توجه جدی به مشکلات خود شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «ما تا صبح امروز حقوق آذر خود را نگرفتیم و شب یلدا دست خالی ماندیم»؛ یک خانم بازمانده تامین اجتماعی که حقوق ۱۵ میلیون تومانی همسر مرحومش را دریافت می‌کند، با بیان این جمله گفت: من دو فرزند در خانه دارم اما شب یلدا نتوانستم یک کیلو هندوانه بخرم.

این زن سرپرست خانوار افزود: همسر من ۲۵ سال حق بیمه به تامین اجتماعی پرداخت که امروز به کار ما بیاید؛ چرا تامین اجتماعی قبل از شب یلدا، حقوق همه مستمری‌بگیران را واریز نکرد؟ چرا به فکر امثال ما نبود که در کارت بانکی‌مان صد هزار تومان هم نداشتیم.

این خانم ادامه داد: در یک هفته اخیر، دوربین صداوسیما پشت هم به سراغ مغازه‌های آجیل فروشی و شیرینی فروشی رفت و از شب یلدا گزارش تهیه کرد؛ چرا یکبار سراغ امثال ما نیامدند و از سفره‌های خالی ما گزارش نگرفتند؟



بازنشستگان مخابرات ایران به روال هفته‌های گذشته در همدان، اصفهان، کرمانشاه، تهران، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، خوزستان فارس، کردستان، مشهد، هرمزگان، کردستان و برخی دیگر از استان‌ها تجمع کردند.

عدم اجرای کامل آیین‌نامه ۸۹، عدم به‌روزرسانی خواربار و رفاهیات فریز شده و مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی، از مهم‌ترین دلایل اعتراض این بازنشستگان است.

بازنشستگان مخابرات در شعارهای خود به وعده‌های توخالی سهامداران مخابرات اشاره می‌کنند و تاکید دارند که بعد از خصوصی‌سازی بسیاری از حق و مزایای آنها نادیده گرفته شد. آنها به عملکرد سهامداران این مجموعه معترض هستند.



پاکبانان شهرداری دزفول اعتراض کردند

امروز یکشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۴، جمعی از پاکبانان با تجمع، به وضعیت معیشتی و دستمزدی خود اعتراض کردند

هنوز افزایش دستمزد سال جاری پرداخت نشده و حقوقشان بر اساس سال گذشته است

قراردادهای ماهیانه و نبود امنیت شغلی، نگرانی دائمی ایجاد کرده است

حق تعطیل کاری آنها نیز در فیش حقوقی لحاظ نمی‌شود

**کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!**

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!**

**از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!**

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>